



مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل

دانشجوی دکتری گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استاد گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
استادیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دانشیار گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مژگان جلالوند

شکوه نوایی نژاد*

حمیدرضا رضازاده بهادران

علی اکبر خسروی بابادی

sh.navabinejad@khu.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۱۷۷-۲۰۶
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهران بود. روش: پژوهش توصیفی، همبستگی و جامعه آماری زنان متأهل تهرانی بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۰۰ زن متأهل ساکن تهران به‌عنوان حجم نمونه از مراکز مشاوره دوستان و مشاوران انجمن حمایت از حقوق کودکان به‌صورت آنلاین (به دلیل وجود ویروس کرونا) انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۹۸)، همدلی عاطفی اسپستین و مهربانان (۱۹۷۲) و تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳) بود. کلیه تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²⁶ و AMOS²⁴ صورت گرفت. جهت تحلیل روابط واسطه‌ای نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) استفاده شد. یافته‌ها: نتایج حاصل از اثر مستقیم نشان داد که طرح‌واره بریدگی و طرد ($\beta=0/343$)، گوش‌بزرگی بیش‌ازحد و بازداری ($\beta=0/294$)، بر طلاق عاطفی اثر مثبت و معنادار دارد و همدلی عاطفی ($\beta=-0/345$) بر طلاق عاطفی اثر منفی و معنادار دارد. هم‌چنین اثر غیرمستقیم طرح‌واره‌های بریدگی و طرد ($\beta=0/320$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\beta=0/447$)، جهت‌مندی ($\beta=0/059$)، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری ($\beta=0/0628$)، محدودیت‌های مختل ($\beta=0/1252$) و همدلی عاطفی ($\beta=-0/140$) بر طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان معنادار بود. نتایج نشان داد که تنظیم هیجان به‌عنوان یک متغیر میانجی توانست رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همدلی عاطفی را تبیین نماید. نتیجه‌گیری: از آنجاکه یافته‌های این پژوهش حاکی از روابط قدرتمند و معنادار متغیرهای پژوهش با طلاق عاطفی بود پیشنهاد می‌شود که از طرق مختلف از جمله رسانه‌های ارتباط‌جمعی، روزانه‌ساعتی جهت آموزش مهارت‌های زندگی، راهبردهای کارآمد و مثبت تنظیم هیجان و نوآوری‌های لازم جهت اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نظر گرفته شود و روانشناسانی جهت بحث و بررسی در این زمینه به کار گرفته شوند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم هیجان، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، طلاق عاطفی، همدلی عاطفی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(جلالوند، نوایی‌نژاد، رضازاده بهادران و خسروی بابادی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

جلالوند، مژگان، نوایی نژاد، شکوه، رضازاده بهادران، حمیدرضا، و خسروی بابادی، علی اکبر. (۱۴۰۱). مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱ پیاپی ۱۰): ۱۷۷-۲۰۶.

مقدمه

یکی از معضلات اجتماعی امروز در زندگی مشترک زوجین ظهور پدیده‌ای به اصطلاح مدرن به نام طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است (رضوانی و صائمی، ۱۳۹۸). طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرآیند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوال است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۵). در تمام زندگی‌های زن‌وشوهری اختلافاتی از کوچک تا بزرگ وجود دارد که بعضی از این اختلافات هرچند کوچک متأسفانه به طلاق ختم می‌شود. بیشتر اوقات ویژگی‌های فردی باعث اختلاف می‌شوند و گاهی هیچ‌کدام از طرفین حاضر نیست که به خاطر حفظ بنیان خانواده خود را تغییر بدهد، پس داستان ادامه پیدا می‌کند. از آنجاکه خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، آسیب‌پذیرترین گروه در برابر آسیب‌های اجتماعی است به‌طوری‌که اکثر مشکلات و آسیب‌ها ابتدا در خانواده‌ها بروز پیدا می‌کند و در صورت عدم پیشگیری و برخورد ناصحیح با آن‌ها، به درون جامعه نیز رسوخ می‌کند و در این شرایط دشوار دیگر نمی‌توان به‌راحتی مشکلات و آسیب‌ها را کنترل کرد با توجه به شرایط امروز جامعه، چنانچه نتوانیم پایه‌های خانواده را محکم و استوار بنا کنیم در این صورت شاهد بروز آسیب در خانواده‌ها خواهیم بود (فاطمی راد و بنی حسن، ۱۳۹۶). امروزه انواع مختلف خشونت‌های خانگی، اعتیاد، طلاق و جدایی عاطفی مهم‌ترین عامل از هم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی طلاق عاطفی می‌باشد. لذا خانواده‌ها و مسئولین امر باید برنامه‌های صحیح و حساب‌شده‌ای برای کاهش وقوع طلاق عاطفی اتخاذ کنند زیرا هرگونه خللی که در انسجام خانواده وارد گردد آثار ناپه‌نجا آن را در جامعه شاهد خواهیم بود (فاطمی راد و بنی حسن، ۱۳۹۶).

در بررسی علت طلاق عاطفی علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روان‌شناختی از جمله طرح‌واره‌ها که منجر به طلاق می‌شوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (گاتمن، ۱۹۹۳). کلمه طرح‌واره در حوزه‌های پژوهشی مختلف به‌کاربرده شده است. طرح‌واره به‌طور کلی به‌عنوان ساختار^۱، قالب یا چارچوب تعریف‌شده است. در فلسفه یونان قدیم، منطقیون رواقی^۲ مخصوصاً فروسیپوس^۳، اصول منطقی را در قالب « طرح‌واره استنباط » مطرح کردند. طرح‌واره در نظام فلسفی کانت^۴ « درک و دریافت نقطه اشتراک تمام عناصر یک مجموعه » تعریف می‌شود. این واژه همچنین در نظریه ریاضی، مجموعه‌ها، هندسه جبری، آموزش، تحلیل ادبی و برنامه‌ریزی کامپیوتری نیز به‌کاررفته است (یانگ، کلسکو و ویشار، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۸). طبق تعریف یانگ، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند، به رابطه‌ی فرد با خود و دیگران مربوط می‌شوند و به‌شدت ناکارآمد هستند (یانگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۸)، از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند (رنر، دی رابینز، آرنتز،

1. Structure
2. Stoic logicians
3. Frosippus
4. Kant

پیترز و همکاران، ۲۰۱۸). یانگ با تأکید به طرح‌واره‌ها بیان نمود که طرح‌واره‌ها ممکن است در یک مرحله زمانی نافعال باشند و پس‌از آن در نتیجه‌ی تغییر در نوع دروندا‌هایی که از محیط دریافت می‌کنند، انرژی کسب کرده و به سرعت فعال شوند (یانگ و کلووسکو، ۱۹۹۷). این امر موجب سوگیری‌هایی در تفسیر ما از وقایع می‌شود و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی بین فردی (زوجین) به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های غلط، اهداف و انتظارات غیرواقعیانه تجلی پیدا می‌کنند. در مورد پیشینه موضوع، یافت شد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در انسان همانند چهارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین‌کننده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی در روابط بین فردی می‌باشند. پژوهش‌ها نشان دادند الگوی تأثیر کمال‌گرایی منفی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی معنی‌دار است (بازدار و موسوی، ۱۳۹۷؛ لعل زاده و همکاران، ۱۳۹۴)؛ همچنین تجارب اولیه کودکی در بروز فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین نقش معناداری دارند و وجود طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در بسیاری از مشکلات و اختلالات ریشه دارد؛ بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود در فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین نقش معناداری دارند (رستمی، ۱۳۹۶، استیلز، ۲۰۰۴). همچنین طرح‌واره ناسازگار « محرومیت هیجانی » پیش‌بینی کننده صمیمیت می‌باشد. طرح‌واره « نقص و شرم » پیش‌بینی کننده صمیمیت کمتر در مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر بود و « معیارهای سرسختانه » به‌طور قابل انتظار پیش‌بینی کننده صمیمیت بالاتر در مقیاس نزدیکی فیشر بود (زاهدی تجربی، ۱۳۹۱)؛ همچنین تفکر عینی از مؤلفه‌های ناگویی هیجانی و برخی از مؤلفه‌های طرح‌واره‌های شناختی توان پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند (رشیدی، ۱۳۹۴). پهلوانلی و اکی زر (۲۰۲۰) نشان داد که سطح رضایت زناشویی افراد متأهل روستایی بیشتر از افراد ساکن در مناطق شهری است. مشخص شد که نمرات شرکت‌کنندگان روستایی در برخی ابعاد طرح‌واره بالاتر بود. علاوه بر این، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مختلفی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی در ساکنان روستایی و شهری یافت شد؛ بر اساس تحقیقات انجام‌شده میزان همدلی^۱ زوجین می‌تواند بر رضایت زناشویی مؤثر باشد. همدلی توانایی عاطفی و شناختی حالات روانی (احساسات، افکار و انگیزه‌ها) دیگران و پاسخ‌دهی مناسب به آن‌ها با هیجان‌های مناسب می‌باشد (کانراس، میر و بوشمن، ۲۰۱۸). به اعتقاد نظریه پردازان، همدلی عاطفی مستقیماً رفتارهای پرخاشگرانه را بازداری می‌کند (بلکریشان و فرناندز، ۲۰۱۸) و افراد را برای کاهش پریشانی دیگران برمی‌انگیزد (برینک، ۲۰۱۸؛ فشاخ و فشاخ، ۲۰۱۲). در نتیجه همدلی ممکن است رفتار منفی را کاهش و رفتار مثبت دوستانه را افزایش دهد. علاوه بر این تحقیقات اخیر نشان داده است که همدلی منجر به رفتارهای حل تعارض دوستانه‌تر می‌شود و کسانی که همدلی پایین دارند به احتمال بیشتری از نشانه‌های افسردگی رنج می‌برند (بنیک، جرونیموک و رات، ۲۰۱۹؛ تالی و همکاران، ۲۰۱۶؛ هافمن و همکاران، ۲۰۱۶). همدلی ممکن است باعث شود فرد نتیجه تعارض را منصفانه‌تر و رضایت‌بخش‌تر ادراک کند (ون لیس، هاوک و میوس، ۲۰۱۷). درک و همدلی زنان به شیوه‌های مختلف، مانند رفتارهای کلامی و غیر کلامی، درک خواسته‌ها و نیازهای دیگران، تلاش برای درک احساس‌ها و عواطف آن‌ها، باعث می‌شود که احساس خوب بودن و رضایت داشتن زن و شوهر از یکدیگر مهیا شود (نظری، ۱۳۹۶)؛ همچنین همدلی عاطفی به پاسخ‌های

1. empathy

هیجانی دیگر- محور^۱ اشاره دارد و شامل گرایش به تجربه احساس همدردی، نگرانی برای دیگران و گرم بودن است (دیویس، ۱۹۸۳). دینداروهمکارانش (۱۳۹۷) در نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند ۷۷,۷ درصد از تغییرات متغیر طلاق عاطفی توسط ابعاد مهارت‌های زندگی تبیین می‌شود که نشان‌دهنده نقش و تأثیر مهم مهارت‌های زندگی در تبیین مسئله طلاق عاطفی است. افزون بر آن نتایج پژوهش‌ها نشان دادند که القاء همدلی به زوجین می‌تواند باعث افزایش رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی به هنگام تعارض شود؛ از این رو، داشتن مهارت عاطفی خصوصاً شناخت و برقراری روابط عاطفی نقش مهمی در نگهداری و تثبیت سازگاری زناشویی دارد و در فرایند صمیمیت تأثیرگذار است (علاءالدینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کوردوا، جی و وارن، ۲۰۰۵).

شناخت مهارت‌های عاطفی در این تحقیق عبارت است از توانایی شناخت عواطف، توانایی ابراز عواطف، همدلی کردن و مدیریت و به معاوضه طلبیدن عواطف که در جهت تثبیت و حفظ سلامت ازدواج به کار می‌رود. این پژوهشگران دریافتند که توانایی شناخت عواطف و توانایی برقراری ارتباطات عاطفی با سازگاری خود و شخص مقابل در ازدواج همبستگی دارد و علاوه بر آن احساس صمیمیت نقش واسطه بین مهارت مندی عاطفی و سازگاری زناشویی در میان زنان و شوهران دارد؛ بنابراین کسب مهارت‌های زندگی می‌تواند تأثیرات مثبتی در ارتباطات خانواده به جای گذاشته و موجب رشد احساساتی از قبیل انسان‌دوستی و همدلی و غیره در افراد شوند (استنلی و مارکمن، ۲۰۰۳؛ جوهانسون و کوهان، ۲۰۰۵). علاوه بر آن عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مرد، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز مرد، عدم گذراندن وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، مشکلات ارتباطی و عدم تعادل روحی مرد از جمله دلایل پدیده اجتماعی طلاق عاطفی بیان شده است (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹). همچنین بین جو خانوادگی و همدلی با رضایت زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد و همچنین بین جو خانوادگی و همدلی با رضایت زناشویی رابطه چندگانه وجود دارد (خزعلیان، ۱۳۹۳). مازوکا، کافتسیوس، لیوی و پری ساقی (۲۰۱۸) پژوهشی را تحت عنوان تنظیم هیجان و رضایت در روابط زناشویی بلندمدت: نقش سرایت عاطفی، انجام دادند. در این پژوهش به بررسی اینکه زوج‌ها چگونه احساسات خود را تنظیم می‌کنند و چگونه از نظر عاطفی با یکدیگر همگرایی می‌کنند که می‌تواند بر کیفیت رابطه تأثیر بگذارد پرداخته شد. نتایج نشان داد که هر دو فرایند خودکار و کنترل شده اثرات مستقل و مشترکی بر رضایت زناشویی در طولانی مدت دارند. نتایج به مکانسیم‌های درون فردی و بین فردی در تنظیم هیجان و روابط زناشویی بلندمدت اشاره داشت.

شواهد پژوهشی نشان داده است که تنظیم هیجان یکی از عوامل مرتبط با طلاق عاطفی است، تنظیم هیجان یکی از مهم‌ترین تکالیف برای سلامت جسمی و روان‌شناختی به‌ویژه در روابط زناشویی می‌باشد زیرا که راهبردهای تنظیم هیجانی کنش‌هایی هستند که نشانگر راه‌های کنار آمدن فرد با شرایط مختلف زندگی و موقعیت‌های استرس‌زا می‌باشند بنابراین کیفیت زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (درعلی و سهرابی، ۱۳۹۴). بر اساس تحقیقات انجام‌شده کیفیت یک رابطه عاشقانه تا حد زیادی بر تجربه، بیان و مبادله هیجان‌های مثبت در مقابل منفی بستگی دارد (گاتمن و لونسون، ۱۹۹۲)، از طرفی ابرازات منفی (مانند نقد) می‌تواند به افت کیفیت رابطه منجر شود (سوان، رنت فرو و گوسلینگ، ۲۰۰۳). تنظیم هیجان شامل

گستره‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری هشیار و ناهشیار است که جهت کاهش، حفظ یا افزایش یک هیجان صورت می‌گیرد و به‌عنوان فرایند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر دربروز، شدت یا استمرار هیجان مرتبط با فرایندهای اجتماعی، روانی، فیزیکی تعریف می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجاکه روابط نزدیک میان زوجین منبع ایجاد طیف وسیعی از هیجان‌ات است، تنظیم هیجان نقشی اساسی در روابط زناشویی ایفا می‌کند. به گفته لیونسون و همکاران (۲۰۱۴) مسائل مرتبط با تنظیم هیجان اغلب محور اصلی مشکلات زوج‌هایی است که به درمان مراجعه می‌کنند. اگرچه جزئیات مشکل از زوجی به زوج دیگر متفاوت است، اما تقریباً همه زوج‌های ناسازگار یا در تنظیم کاهش‌دهنده هیجان‌ات منفی، یا در تنظیم افزایش‌دهنده هیجان‌ات مثبت و یا در هر دو زمینه با دشواری روبرو هستند. نادری نور عینی (۱۳۹۷) نشان داد که افراد روان رنجور راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد یعنی راهبرد هیجان‌مدار و اجتنابی بیشتر و نیز راهبرد کارآمد مقابله‌ای یعنی راهبرد مسئله‌گرمی‌گیرند و همچنین این افراد راهبرد غیر انطباقی تنظیم هیجان یعنی سرکوبی بیشتر و راهبرد انطباقی تنظیم هیجان یعنی ارزیابی مجدد کمتر به‌کار می‌گیرند و نیز طلاق عاطفی در آن‌ها بیشتر است. اکبری و همکارانش (۱۳۹۵) نشان دادند که می‌توان به کمک طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیش‌بینی کرد. (آبت، ۲۰۰۵؛ به نقل از جامعی نژاد، ۱۳۸۹) نشان داد که تنظیم هیجانی و دشواری در تنظیم هیجانی عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت و ناسازگاری زناشویی بود و تنظیم هیجانی بر روابط صمیمانه فرد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشت؛ همچنین ارتباط بین بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و رضایت زناشویی و مکانیسم‌های زیربنایی آن از دیدگاه زوجی برجسته است (لیو، وانگ، لو و شی، ۲۰۱۹).

بدین جهت اهمیت اساسی و عمده این پژوهش در سطح نظری بالا بردن دانش نظری در زمینه زوج‌درمانی و پر کردن خلأ پژوهشی در این زمینه است. در سطح آرمانی برداشتن گام‌های مقدماتی در جهت شناسایی و تعیین میزان ابعاد مختلف طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی، با تنظیم هیجانی در طلاق عاطفی زوجین و به‌طور کلی تأمین سلامت عمومی جامعه به‌خصوص زوجین می‌باشد و در سطح اختصاصی و کاربردی فراهم آوردن اطلاعات و شناسایی ابزار مناسب برای پژوهش در ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با تنظیم هیجانی در طلاق عاطفی جهت استفاده روان‌پزشکان، روانشناسان، مشاوران خانواده و کلیه متخصصان بهداشت روانی که به‌گونه‌ای درگیر با مسائل زوجین می‌باشد نیز هست. با نظر به اینکه پژوهش‌های کمی در رابطه با شکل‌گیری زمینه‌های اصلی بروز تعارضات خانوادگی با ترکیب مؤلفه‌های روان‌شناختی انجام گرفته و این‌که تأثیر ناخوشایند مشکلات عاطفی و خستگی‌های روانی و روحی بر روی زوجین و فرزندان، آن‌ها را نیازمند راهنمایی و مداخله از سوی متخصصان از جمله روانشناسان و مشاوران می‌کند که همین امر ضرورت اجرای پژوهش حاضر را فراهم می‌آورد.

۱. بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زنان متأهل تهران رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. بین همدلی عاطفی و طلاق عاطفی در زنان متأهل تهران رابطه معکوس وجود دارد.
۳. تنظیم هیجان در رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در زنان متأهل تهران نقش میانجی دارد.
۴. تنظیم هیجان در رابطه بین همدلی عاطفی و طلاق عاطفی در زنان متأهل تهران نقش میانجی دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی کاربردی و از نظر روش در گروه پژوهش‌های توصیفی است و از آنجاکه به بررسی روابط بین متغیرها در جامعه مورد نظر پرداخته تحقیق همبستگی به کار برده شد. متغیره‌ای پیش‌بین در این پژوهش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همدلی عاطفی، متغیر ملاک طلاق عاطفی و متغیر میانجی تنظیم هیجان بود. در بخش آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در زمره پژوهش‌های تحلیل ماتریس کواریانس (مدلسازی معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل شهر تهران بود. نمونه آماری به صورت در دسترس و روش نمونه‌گیری از آنجاکه روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمود (هومن، ۱۳۸۴). از دیدگاه جیمز استیونس در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندگانه با روش معمولی کمترین مجذورات استاندارد، یک قاعده سرانگشتی خوب به حساب می‌آید (هومن، ۱۳۸۴). البته روش‌های مختلفی برای پی بردن به حجم نمونه مورد نیاز در تحلیل وجود دارند که یکی از مرسوم‌ترین آن‌ها استناد به مقادیر رایج است؛ که در این روش حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ به عنوان کوچک ۱۰۰ تا ۲۰۰ به عنوان حجم متوسط و بالاتر از ۲۰۰ به عنوان حجم بالا در نظر گرفته شده است. حجم‌های نمونه‌های کوچک تنها برای مدل‌های بسیار ساده، حجم‌های متوسط برای مدل‌های غیر پیچیده و حجم‌های بالا برای اکثر مدل‌ها مناسب هستند (موسوی علوی، ۱۳۹۲). نمونه پژوهش حاضر با پیروی از این باور بر اساس ۱۵ نفر در ارتباط با هر یک از متغیرها محاسبه شد که جمعاً « ۲۹۰ نفر محاسبه شد، لکن به دلیل وجود ویروس کرونا و عدم دسترسی به نمونه‌های آماری فقط ۲۰۰ نفر به صورت آنلاین، نمونه آماری در دسترس پژوهش را تشکیل داد. ملاک ورود نمونه‌ها متأهل بودن و سن بین ۳۰ تا ۵۰ سال بوده است و ملاک خروج از پژوهش عدم تکمیل پرسشنامه به طور کامل بود. نمونه‌ها را از مراکز مشاوره‌های آشنا و دوستان و از مشاوران انجمن حمایت از حقوق کودکان تهیه کرده‌ام.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری میزان طلاق عاطفی افراد طراحی شده است. این پرسشنامه، تعاملی بوده و فاقد مؤلفه است. این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل دوگزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. گاتمن میزان اعتبار مقیاس طلاق عاطفی را ۰/۷۵ گزارش نموده است. بریدیت و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود میزان اعتبار ابزار طلاق عاطفی را ۰/۸۳ به دست آورده‌اند. موسوی و همکارانش (۱۳۹۴)، پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های مقیاس، نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی قابل‌قبولی دارند. روایی صوری این پرسشنامه نیز با نظر هفت نفر از اعضای هیئت علمی

پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تأیید شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۸۰۲ به دست آمد.

۲. پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ. پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، این پرسشنامه ۷۵ عبارتی توسط یانگ ۱۹۹۸ ساخته شده و شامل ۵ حوزه طرح‌واره‌ای است. در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً درست درباره من برابر ۵ تا کاملاً غلط درباره من برابر با ۱، حوزه طرح‌واره‌های بریدگی و طرد با سؤال‌های ۱ تا ۲۵، خودگردانی و عملکرد مختل با سؤال‌های ۲۶ تا ۴۵، دیگر جهت مندی با سؤال‌های ۴۶ تا ۵۵، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری با سؤال‌های ۵۶ تا ۶۵، محدودیت‌های مختل با سؤال‌های ۶۶ تا ۷۵ ارزیابی می‌شود. (خراسانی زاده، پور شریفی، رنجبری پور، باقری و پویامنش، ۱۳۹۸). والر، می‌یر و هنیان (۲۰۰۱) برای تمام حوزه‌ها ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۸ و روایی مطلوبی گزارش کردند. خراسانی زاده و همکاران (۱۳۹۸) نسخه کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ را در مورد ۴۲۰ نفر از دانشجویان اجرا و ضریب همسانی درونی پرسشنامه را از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، محدودیت‌های مختل و گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۸۹، ۰/۷۹، ۰/۸، گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۵۹ به دست آمد.

۳. پرسشنامه همدلی عاطفی. این پرسشنامه توسط مهربان و اپستین (۱۹۷۲)، به نقل از علی و همکاران، (۲۰۰۹) تهیه شد و یک پرسشنامه ۳۳ گویه‌ای است و پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران را در طیف ۹ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۹) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در این مقیاس به ترتیب ۳۳ و ۲۹۷ می‌باشد. در پژوهشی با استفاده از این مقیاس به‌وسیله مهربان و اپستین (۱۹۷۲) در مورد ۲۰۲ زن و مرد (به‌گونه‌ی مساوی) انجام گرفت ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۴ گزارش شد. بشارت (۱۳۸۹) پایایی پرسشنامه مذکور را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آورد که نشان از همسانی درونی بالای پرسشنامه داشت. روایی این مقیاس را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آوردند که مشخص شد در تحلیل چرخش نیافته، بار عاملی اکثر گویه‌های پرسشنامه روی یک عامل کلی (همدلی عاطفی) قرار دارد که در مجموع توانست ۶۷ درصد از واریانس کل را تبیین کند. همچنین بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش نموده‌اند و روایی پرسشنامه از طریق همبستگی با پرسشنامه بهزیستی شناختی و پرسشنامه درماندگی شناختی به ترتیب به‌صورت رابطه مثبت و منفی معنی‌دار گزارش نمودند که نشان از روایی بالای پرسشنامه داشت. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۶۰ به دست آمد.

۴. مقیاس تنظیم هیجان. این مقیاس در سال ۲۰۰۳ توسط گراس و جان تهیه و از ۱۰ گویه تشکیل شده که دارای دو خرده مقیاس ارزیابی مجدد با ۶ گویه و سرکوب هیجان با ۴ گویه می‌باشد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) می‌باشد. آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و برای سرکوب هیجانی ۰/۷۳ و اعتبار باز آزمایی بعد از سه ماه برای کل مقیاس ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس و جان، ۲۰۰۳). همبستگی ارزیابی مجدد با مقیاس عواطف مثبت (۰/۲۴) و عواطف منفی

(-۰/۱۴) و سرکوب هیجان با مقیاس عواطف مثبت (۰/۱۵-) و عواطف منفی (۰/۰۴) گزارش شده است (بالزوریتی، جان و گراس، ۲۰۱۰). اعتبار این مقیاس در ایران توسط قاسم پور، ایل بیگی، حسن‌زاده سال ۱۳۹۱ بر اساس روش همسانی درونی (با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۶۰ تا ۰/۸۱) و روایی پرسشنامه مذکور از طریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش واریماکس، همبستگی بین دو خرده مقیاس $r=0/13$ و روایی ملاکی مطلوب گزارش شده است (مشهدی، علی؛ قاسمپور، عبدالله؛ اکبری، ابراهیم؛ ایل بیگی، رضا؛ حسن‌زاده، شهناز ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نمره کل برابر ۰/۷۹۲ به دست آمد.

روش اجرا. در این پژوهش از ۵ پرسشنامه به‌عنوان مقیاس برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد. یک مجموعه از پرسشنامه‌های مذکور به‌صورت اینترنتی (به علت وجود ویروس کرونا) در اختیار زنان متأهل تهران قرار گرفت و به شرکت‌کنندگان در پژوهش در مورد شرایط شرکت در پژوهش و اصول اخلاقی نظیر رضایت آگاهانه، رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی توضیح داده شد و تقاضا شد که پرسشنامه‌ها تکمیل شود، این مجموعه، سؤالاتی از قبیل سن فرد، مدت‌زمان ازدواج، تعداد فرزندان، تحصیلات و شغل شروع می‌شد و سپس هر فرد پرسشنامه‌های طلاق عاطفی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی و تنظیم هیجان را پاسخگو می‌بود پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از طریق اینترنتی پرسشنامه‌هایی که به‌طور کامل توسط زنان متأهل تکمیل گردیده بود، انتخاب شد و در محیط نرم‌افزار SPSS26 و AMOS24 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و جهت تحلیل روابط واسطه‌ای نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) استفاده شد.

یافته‌ها

در بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از ۲۰۰ زن متأهل تهرانی در بخش توصیفی، یافته‌ها نشان داد که تعداد ۱۳۳ نفر (۶۶/۵ درصد) خانه‌دار بودند، ۶۲ نفر (۳۱ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۳۶ نفر (۶۸ درصد) طول مدت ازدواجشان بین ۲۰-۱۱ سال بود و ۸۸ نفر (۴۴ درصد) دارای یک فرزند بودند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان، همدلی و طلاق عاطفی در زنان متأهل ($n=200$)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه-کمینه	کجی	کشیدگی
بریدگی و طرد	۹۶/۷۷	۳۶/۸۱	۱۴۷-۲۵	-۰/۴۹۷	-۰/۶۲۵
محرومیت هیجانی	۱۸/۴۴	۹/۲۷	۳۰-۵	-۰/۰۷۰	-۱/۶۷۶
رهاشدگی/بی‌ثباتی	۱۹/۶۳	۸/۰۹	۳۰-۵	-۰/۵۴۶	-۰/۷۵۴
بی‌اعتمادی/بدرفتاری	۲۱/۸۸	۸/۹۲	۳۰-۵	-۰/۹۲۶	-۰/۵۳۶
انزوای اجتماعی/بیگانگی	۱۸/۹۱	۸/۸۸	۳۰-۵	-۰/۱۱۳	-۱/۳۹۳
نقص/شرم	۱۷/۸۹	۸/۰۹	۳۰-۵	۰/۰۱۱	-۱/۲۰۴
خودگردانی و عملکرد مختل	۷۶/۴۸	۲۹/۴۰	۱۱۸-۲۰	-۰/۲۱۷	-۰/۷۸۶

۱۷/۲۲	۸/۹۳	۳۰-۵	۰/۱۳۴	۱/۴۲۳	شکست
۱۸/۳۹	۸/۶۸	۳۰-۵	-۰/۲۲۶	-۱/۳۲۷	وابستگی/یبی کفایتی
۲۰/۶۷	۸/۴۹	۳۰-۵	-۰/۷۲۰	-۰/۸۵۸	آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری
۲۰/۱۹	۷/۵۷	۳۰-۵	-۰/۲۷۶	-۱/۲۰۴	گرفتار/خویش‌نمون تحول نیافته
۳۰/۵۸	۱۴/۲۶	۶۰-۱۰	-۰/۳۶۷	-۰/۹۶۹	جهت مندی
۱۸/۷۳	۸/۱۹	۳۰-۵	-۰/۱۷۳	-۱/۳۳۹	اطاعت
۲۰/۸۴	۷/۷۳	۳۰-۵	-۰/۳۸۳	-۰/۹۹۲	ایثارگری
۳۶/۲۶	۱۲/۹۵	۵۷-۱۰	-۰/۳۰۸	-۰/۹۷۱	گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری
۱۵/۹۷	۷/۲۳	۳۰-۵	۰/۱۳۵	-۱/۰۹۷	بازداری هیجانی
۲۰/۲۸	۷/۳۷	۳۰-۵	-۰/۳۸۱	-۰/۹۱۱	معیارهای سرسختانه
۳۸/۸۵	۱۴/۸۹	۵۷-۱۰	-۰/۴۹۶	-۱/۰۱۸	محدودیت‌های مختل
۱۸/۲۲	۷/۶۸	۲۹-۵	-۰/۳۸۶	-۱/۲۲۷	استحقاق/بزرگ‌منشی
۲۰/۶۲	۸/۳۷	۳۳-۴	-۰/۴۵۴	-۰/۸۷۸	خویش‌نمونی/انضباط ناکافی
۴۱/۸۸	۱۸/۳۵	۶۹-۱۰	-۰/۱۲۴	-۱/۳۷۸	تنظیم هیجان
۱۸/۴۰	۸/۳۰	۲۸-۴	-۰/۴۱۴	-۱/۳۴۰	سرکوب هیجان
۲۳/۴۷	۱۱/۲۵	۴۲-۶	۰/۱۸۱	-۱/۳۰۴	ارزیابی مجدد
۱۷۲/۱۹	۷۰/۸۰	۲۹۶-۳۳	-۰/۳۵۷	-۰/۴۰۱	همدلی عاطفی
۱۱/۲۱	۶/۲۸	۲۳-۰	-۰/۰۹۲	-۱/۴۴۵	طلاق عاطفی

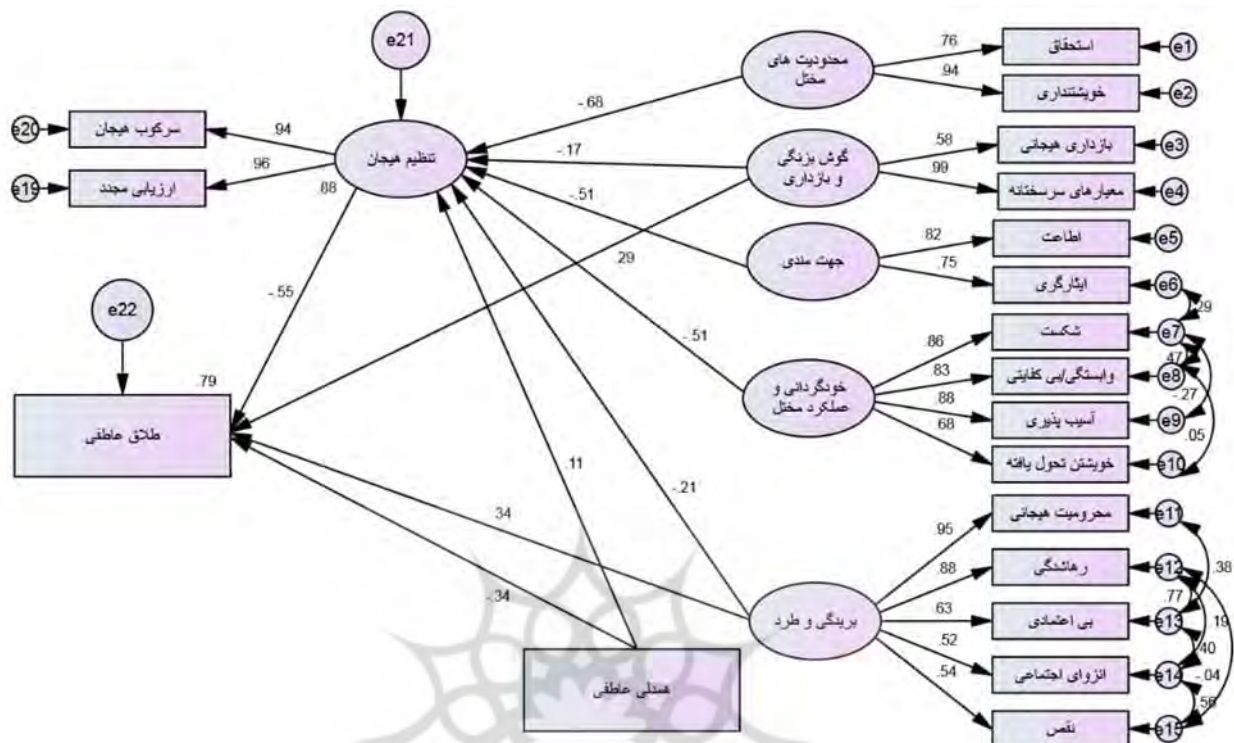
مطابق جدول ۱ متغیرهای بریدگی و طرد با میانگین ۹۶/۷۷ و انحراف استاندارد ۳۶/۸۱، خودگردانی و عملکرد مختل با میانگین ۷۶/۴۸ و انحراف استاندارد ۲۹/۴۰، جهت مندی با میانگین ۳۰/۵۸ و انحراف استاندارد ۱۴/۲۶، گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری با میانگین ۳۶/۲۶ و انحراف استاندارد ۱۲/۹۵ و محدودیت‌های مختل با میانگین ۳۸/۸۵ و انحراف استاندارد ۱۴/۸۹ در زنان متأهل تهران به‌دست‌آمده است. در تنظیم هیجان با میانگین ۴۱/۸۸ و انحراف استاندارد ۱۸/۳۵ و همدلی عاطفی با میانگین ۱۷۲/۱۹ و انحراف استاندارد ۷۰/۸۰ و در طلاق عاطفی با میانگین ۱۱/۲۱ و انحراف استاندارد ۶/۲۸ در زنان متأهل تهران به‌دست‌آمده است. جدول ۱، شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار چولگی مشاهده‌شده برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار دارد یعنی از لحاظ کجی متغیرهای پژوهش نرمال بوده و توزیع آن‌ها متقارن است. همچنین مقدار کشیدگی آن‌ها نیز در بازه (۲، -۲) قرار دارد، این نشان می‌دهد توزیع متغیرهای مورد مطالعه از کشیدگی نرمال برخوردار است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای برونزا، میانجی و درونزا مدل نهایی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. بریدگی و طرد	۱							
۲. خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۴۵۲**	۱						
۳. جهت مندی	۰/۷۲۲**	۰/۲۳۷**	۱					
۴. گوش بزرگی	۰/۳۹۲**	۰/۷۶۶**	۰/۴۳۶**	۱				
پیش‌ازحد					۱			
۵. محدودیت‌های مختل	۰/۶۲۸**	۰/۶۹۴**	۰/۴۹۳**	۰/۴۰۱**	۱			
۶. تنظیم هیجان	-۰/۴۵۸**	-۰/۴۱۴**	-۰/۲۳۰**	-۰/۲۵۵**	-۰/۶۷۲**	۱		
۷. همدلی عاطفی	-۰/۳۷۶**	-۰/۳۳۷**	-۰/۳۱۴**	-۰/۳۷۴**	-۰/۳۸۱**	۰/۵۱۱**	۱	
۸. طلاق عاطفی	۰/۵۶۸**	۰/۴۰۰**	۰/۴۶۹**	۰/۴۲۸**	۰/۵۰۹**	-۰/۵۸۴**	-۰/۶۹۶**	۱

جدول ۲ اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان، همدلی و طلاق عاطفی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بین همدلی عاطفی با تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). هم‌چنین بین تنظیم هیجان و طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). در پژوهش حاضر جهت بررسی برازش رابطه از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. پیش از کاربرد این روش، بررسی پیش‌فرض‌های این رویکرد آماری ضروری است.

بنابر پیشنهاد کلاین (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک‌متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی آزمون و تأیید شدند. با توجه به اینکه دامنه کجی و کشیدگی متغیرها در بازه ± 2 قرار داشت، نرمال بودن تک‌متغیری مورد تأیید قرار گرفت. جهت بررسی نرمال بودن چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بلانچ (۲۰۱۲)، مقادیر کوچک‌تر از ۵ برای نسبت بحرانی به‌عنوان عدم‌تخطی از نرمال بودن چند متغیره در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش ضریب مردیا $4/563$ و نسبت بحرانی $2/770$ به‌دست‌آمده که کمتر از عدد ۵ می‌باشد؛ بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است. جهت بررسی عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری، شاخص فاصله ماهالانوبیس، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از $0/05$ حاکی از دورافتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. بر اساس این شاخص، داده پرت شناسایی نشد؛ بنابراین بررسی پیش‌فرض‌های آماری نشان داد که روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روش مناسبی برای ارزیابی برازش مدل است و جهت برآورد



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل الگوی نهایی (اصلاح‌شده) رابطه ساختاری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با طلاق عاطفی از طریق میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهرانی

نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل نهایی (اصلاح‌شده) نشان می‌دهد که بین بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت مندی، گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری و محدودیت مختل با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار وجود داشت؛ و بین همدلی عاطفی با تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. از طرفی بین بریدگی و طرد، گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری، با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت و بین همدلی عاطفی با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود داشت. با استناد به جدول ۴ می‌توان ضرایب استاندارد کلیه مسیرها و مقادیر بحرانی را در الگوی نهایی مشاهده کرد.

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی نهایی (اصلاح‌شده)

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری (P)
بریدگی و طرد -> تنظیم هیجان	-۰/۲۱۱	۰/۰۴۰	-۱۰/۷۶۸	<۰/۰۰۱
بریدگی و طرد -> طلاق عاطفی	۰/۳۴۳	۰/۰۲۸	۹/۰۴۹	<۰/۰۰۱
خودگردانی و عملکرد مختل -> تنظیم هیجان	-۰/۵۱۳	۰/۰۷۲	-۱۶/۵۲۱	<۰/۰۰۱
خودگردانی و عملکرد مختل -> طلاق عاطفی	۰/۰۲۷	۰/۰۹۲	۰/۲۴۷	۰/۸۰۵

جهت مندی-< تنظیم هیجان	۰/۵۰۶	۰/۰۹۱	۱۴/۸۱۶-	<۰/۰۰۱
جهت مندی-< طلاق عاطفی	۰/۲۱۰	۰/۱۱۳	۱/۸۳۷	۰/۰۶۶
گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری-< تنظیم هیجان	۰/۱۶۹-	۰/۱۰۸	۶/۸۱۰-	<۰/۰۰۱
گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری-< طلاق عاطفی	۰/۲۹۴	۰/۰۷۲	۶/۳۵۳	<۰/۰۰۱
محدودیت‌های مختل-< تنظیم هیجان	۰/۶۷۵-	۰/۱۳۸	۱۵/۰۵۲-	<۰/۰۰۱
محدودیت‌های مختل-< طلاق عاطفی	۰/۱۶۶	۰/۱۸۸	۱/۰۲۳	۰/۳۰۶
همدلی عاطفی-< تنظیم هیجان	۰/۱۰۸	۰/۰۰۵	۶/۰۶۷	<۰/۰۰۱
همدلی عاطفی-< طلاق عاطفی	۰/۳۴۵-	۰/۰۰۳	۹/۸۶۱-	<۰/۰۰۱

در ادامه نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از آزمون بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) به جهت آزمودن مسیرهای واسطه‌ای در جدول ۵ نشان داده شده‌اند. در الگوی نهایی پژوهش حاضر شش مسیر غیرمستقیم یا واسطه‌ای وجود دارد. برای تعیین معناداری هر یک از روابط واسطه‌ای و اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق میانجی از روش بوت استرپ^۱ استفاده گردیده است. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای الگوی نهایی پژوهش حاضر را می‌توان در جدول ۵ مشاهده نمود. در جدول ۵، منظور از داده^۲، اثر غیرمستقیم در نمونه اصلی؛ و بوت^۳، میانگین برآوردهای اثر غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است. هم‌چنین، در این جدول، سوگیری^۴، بیانگر تفاضل بین داده و بوت و خطای معیار نیز نشان‌دهنده انحراف معیار برآوردهای غیرمستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است.

جدول ۵ نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم الگوی نهایی

مسیر	شاخص					سطح معناداری
	داده	بوت	سوگیری	خطا	حد پایین حد بالا	
بریدگی و طرد به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی	۰/۰۳۱۹	۰/۰۳۲۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۵۵	۰/۰۲۱۸	<۰/۰۰۱
خودگردانی و عملکرد مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی	۰/۰۴۴۶	۰/۰۴۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۷۷	۰/۰۳۰۱	<۰/۰۰۱
جهت مندی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی	۰/۰۵۰۶	۰/۰۵۰۹	۰/۰۰۰۳	۰/۰۱۵۶	۰/۰۲۱۲	۰/۰۰۱

1 Bootstrap
2 Data
3 Boot
4 Bias

۰/۰۱۸	۰/۰۹۳۲	۰/۰۳۲۳	۰/۰۱۵۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۶۲۸	۰/۰۶۲۶	گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
<۰/۰۰۰۱	۰/۱۶۴۸	۰/۰۸۲۶	۰/۰۲۰۹	۰/۰۰۰۲	۰/۱۲۵۲	۰/۱۲۵۰	محدودیت‌های مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی
<۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۸۳	-۰/۰۲۱۸	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۱۴۰	-۰/۰۱۴۲	همدلی عاطفی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجانی

نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که اثر غیرمستقیم بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت مندی، گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری و محدودیت‌های مختل به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان به ترتیب برابر ۰/۰۳۲۰، ۰/۰۴۴۷، ۰/۰۵۰۹، ۰/۰۶۲۸، ۰/۱۲۵۲ و اثر غیرمستقیم همدلی عاطفی به طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان برابر ۰/۰۱۴۰- به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل تهران انجام شد. برآیند یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای ارزیابی چگونگی برآزش مدل ساختاری با داده‌های گردآوری‌شده تحلیل نهایی طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان با مدل نظری مطابقت دارد، بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده برآزش دارد. نتایج ماتریس همبستگی نشان داد، بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بین همدلی عاطفی با تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). هم‌چنین بین تنظیم هیجان و طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/0$). ضرایب مسیر نشان داد که اثر مستقیم متغیرهای بریدگی و طرد ($\beta = 0/343, P < 0/001$) و گوش بزنگی بیش‌ازحد و بازداری ($\beta = 0/294, P < 0/001$) بر طلاق عاطفی مثبت و معنادار است. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های بازدار و موسوی (۱۳۹۷)، رستمی (۱۳۹۶)، رشیدی (۱۳۹۴)، لعل زاده و همکارانش (۱۳۹۴)، واستایلز (۲۰۰۴)، زاهدی تجریشی (۱۳۹۱)، اندوز و حمیدپور (۲۰۰۶)، ذوالفقاری و همکارانش (۲۰۰۸)، یوسفی (۱۳۹۲)، همخوانی دارد. برای مثال بازدار و موسوی (۱۳۹۷) پژوهشی را باهدف بررسی و تحلیل نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی منفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی بین زوجین انجام دادند. نمونه دربرگیرنده ۸۰ نفر از تمام زوجین ساکن در شهر بوشهر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد، نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که الگوی تأثیر کمال‌گرایی منفی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی معنی‌دار بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، هرچه حضور طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه افزایش یابد،

رضایت و صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان ادعان داشت با توجه به نظریه یانگ (۲۰۰۳)، طرح‌واره ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود-آسیب رسان هستند که حاصل برآورده نشدن نیازهای اساسی در محیط اولیه کودک در ارتباط با پدر و مادر است و در سیر زندگی تکرار می‌شوند و بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تأثیر می‌گذارند، از آنجاکه طرح‌واره‌های ناسازگار ناکارآمدند، نارضایتی و عدم صمیمیت در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند و به همین خاطر است که طلاق عاطفی ایجاد می‌شود. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داده شد که دوحوزه بریدگی و طرد و گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری بر روی طلاق عاطفی تأثیرگذار می‌باشد. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آن‌ها برای امنیت، ثبات، محبت، همدلی، درمیان گذاشتن احساسات، پذیرش و احترام به شیوه قابل پیش‌بینی ارضاء نخواهند شد. طرح‌واره‌های این حوزه به‌طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیرقابل پیش‌بینی یا بدرفتار هستند. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری قرار دارد تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات، تکانه‌ها و انتخاب‌های خودانگیخته فرد یا برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی شده درباره عملکرد و رفتار اخلاقی که اغلب منجر به از بین رفتن خوشحالی، ابزار عقیده، آرامش خاطر، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود طرح‌واره‌های این حوزه به‌طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که در آن عصبانیت، توقع و گاهی اوقات تنبیه مشاهده می‌شود در این خانواده بر عملکرد عالی، بی‌نقص‌گرایی، وظیفه‌شناسی، پیروی از قوانین، پنهان‌سازی هیجان‌ها، اجتناب از اشتباه تأکید می‌شود. در عین حال که به لذت، خوشحالی و آرامش اهمیت چندانی داده نمی‌شود. معمولاً در چنین افرادی، تمایلی نهفته نسبت به بدبینی و نگرانی وجود دارد. بدین صورت که اگر افراد نتوانند در تمام اوقات گوش‌به‌زنگ باشند همه چیز از هم می‌پاشد (یانگ، ۲۰۰۳).

ضرایب مسیر نشان داد که اثر مستقیم همدلی عاطفی بر طلاق عاطفی، برابر $0/345$ - محاسبه شده است که مقدار t آن $9/861$ - می‌باشد که بالاتر از $1/96$ است. لذا فرض صفر رد و فرض مقابل با اطمینان 95% پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان بیان داشت همدلی عاطفی بر طلاق عاطفی در زنان متأهل تهرانی اثر معنادار و منفی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیندار و همکارانش (۱۳۹۷)، علاء‌الدینی و همکارانش (۱۳۹۷)، کوردوا و جی و وارن (۲۰۰۵)، استیلی و مارک من (۲۰۰۳)، جوهانسون و کوهان (۲۰۰۵)، روشنی (۲۰۱۰)، خزعلیان (۱۳۹۳)، همخوانی دارد. برای مثال علاء‌الدینی و همکارانش (۱۳۹۷) پژوهشی را باهدف تأثیر القاء همدلی شناختی و عاطفی بر رفتارهای آشکار تعارض در زوجین و ادراک آن‌ها در نتیجه تعارض انجام دادند. نمونه شامل ۴۸ زوج بود که به دلیل تعارضات زناشویی به مراکز مشاوره سطح شهر اصفهان مراجعه کرده بودند که بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند نتایج یافته‌ها نشان داد که القاء همدلی به زوجین می‌تواند باعث افزایش رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی به هنگام تعارض شود. در تبیین نتایج حاصل از پژوهش می‌توان بیان کرد مطابق نظریه نظم خرد چلبی (۱۳۹۵) در صورت ایجاد مشکل در همدلی و همگامی (ابعاد مهارت‌های زندگی) بین همسران در تعامل همسران اختلال ایجاد می‌شود که اختلال در بعد اظهاری تعامل همسران از عوامل ایجادکننده طلاق عاطفی است و طبق نظریه خود میان بینی گسترش اخلاق خود‌گرایی و عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای فرد مقابل و عدم همدلی در

زندگی زناشویی می‌تواند موجب اختلاف و ستیزه درکانون خانواده گردد. هم‌چنین بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده سامانی مهارت‌های ارتباطی شامل ارتباط مؤثر و بین فردی به‌عنوان بخشی از فرآیندها، کنش‌های سازمان دهنده‌ای هستند که شرایط را برای برخورد خانواده با شرایط موقعیت‌های عاطفی، شناختی، اجتماعی مختلف فراهم ساخته و خانواده را در برخورد با موقعیت‌های بحرانی آماده می‌کند بر اساس این مدل خانواده‌هایی که از لحاظ مهارت‌های ارتباطی از وضعیت‌های بالایی برخوردار هستند عملکرد خوبی از خودشان نشان خواهند داد. عدم مهارت‌های ارتباطی مؤثر بین زن و شوهر موجب فاصله بین فردی می‌گردد و باگذشت زمان موجب بروز طلاق عاطفی می‌شود، بنابراین داشتن مهارت‌های زندگی درست و صحیح، صمیمیت و نزدیکی عاطفی در بین زوجین را افزایش می‌دهد. اگر زوجی بتواند با روش‌های درست ارتباط برقرار کند، نه‌تنها ارتباطات مؤثری باهم خواهند داشت بلکه صمیمیت بین آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. از طرفی افزایش صمیمیت و همراهی عاطفی زن و شوهر، حساسیت آن‌ها را نسبت به هم بالا برده، در نتیجه باعث می‌شود آمیزش عاطفی آن‌ها نیز بالا رود. رونان و دریر (۲۰۰۴) نشان دادند که هرگاه زوجین از مهارت‌های زندگی استفاده نکنند تعارض کمتری را تجربه خواهند کرد درحالی‌که اگرآمهارت‌های زندگی موثر استفاده نکنند سطح بالاتری از تعارض را خواهند داشت. هانسون و لندبولند (۲۰۰۶) به زوجینی که در تعاملات باهم مشکل داشتند و از زندگی زناشویی خود ناراضی بودند، مهارت‌های زندگی و حل تعارض را آموزش دادند. نتایج نشان داد که این آموزش‌ها باعث بهبود روابط زوجین و توانایی کنار آمدن با مشکلات و سلامت روانی آن‌ها شده است. سه بعد حل مسئله، همدلی، ارتباط مؤثر طلاق عاطفی را به بهترین وجه تبیین می‌کند و در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که همدلی باعث می‌شود زوج‌ها نسبت به یکدیگر نگرش توجه آمیزی داشته باشند و به گفته‌های همسر خود اعتبار دهند و این امر باعث افزایش احترام و ارزش‌دهی به همسر می‌شود و این مورد خود باعث کاهش مقاومت در زوج‌ها و بهبود ارتباط آنان می‌شود در نتیجه فاصله و جدایی در بین زوج‌ها کاهش می‌یابد. (دینداروهمکارانش، ۱۳۹۷).

نتایج آزمون بوت استرپ در جدول (۵) نشان داد که اثر غیرمستقیم طرح‌واره‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت مندی، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری و محدودیت‌های مختل بر طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان به ترتیب برابر $۰/۰۳۲۰$ ، $۰/۰۴۴۷$ ، $۰/۰۵۰۹$ ، $۰/۰۶۲۸$ و $۰/۱۲۵۲$ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بودند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با حضور متغیر میانجی تنظیم هیجان در مدل سبب کاهش رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های (اکبری و همکارانش، ۱۳۹۵)، (لوبستیال و همکارانش، ۲۰۱۱)، (هاریس و کارتین، ۲۰۰۴)، (لاملی و هارکنس، ۲۰۰۷)، (ریسو و همکاران، ۲۰۰۷)، (ایزدیان و همکاران، ۱۳۸۹)، (محمد خانی و حسونند، ۱۳۸۹)، (امانی، ۱۳۹۱)، (بهبزادی، ۱۳۸۹)، (یانگ، ۲۰۰۳)، (بلک بورن، ۱۹۹۸) همخوانی دارد. برای مثال (اکبری و همکارانش، ۱۳۹۵) پژوهشی را باهدف پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مولفه‌های آن انجام دادند. نمونه در برگیرنده ۱۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که می‌توان به کمک طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیش‌بینی کرد و بر پایه این الگوها یک رویکرد پیشگیری از سردی روابط زناشویی و درمان زناشویی بر پایه رویکرد طرح‌واره درمانی و مدیریت تنظیم هیجان فراهم

نمود و یافته‌های این پژوهش را در محیط بالینی و مشاوره‌ای برای کمک به زوجین مشکل‌دار و در آستانه طلاق به کار گرفت. در تبیین کلی این فرضیه می‌توان گفت که غالب تحقیقات در مورد تنظیم هیجانی بر پایه این مفروضه قرار دارد که هدف تنظیم هیجانی حمایت، شکل‌گیری عزت‌نفس، کارآمدی شخص و فردیت شخص می‌باشد. این مسئله با افزایش هیجان‌ات مثبت و اجتناب از هیجان‌ات منفی برای شکل‌گیری خوشبختی فرد قابل طرح است؛ به عبارت دیگر تنظیم هیجانی به منظم کردن و تنظیم فرآیندهای احساسی گفته می‌شود، پس دشواری در تنظیم هیجانی به معنی بی‌نظمی احساسات است. وقتی که احساسات مردم دچار بی‌نظمی می‌شود آن‌ها احساس از دست دادن کنترل را گزارش می‌دهند. آن‌ها مستعد انجام و گفتن چیزهایی هستند که در حالت عادی انجام نخواهند داد. پس می‌توان گفت افرادی که این حالت را گزارش می‌کنند در زندگی زناشویی دارای تعارضات زناشویی بالا یا به عبارت دیگر رضایت زناشویی بالایی ندارند، پس در نتیجه عدم تنظیم هیجان‌ات یا دشواری در تنظیم هیجانی می‌توان تعارضات زناشویی بالایی را از زوجین انتظار داشت (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲). به‌طور کلی تنظیم هیجان در روابط زناشویی و عاشقانه یک ضرورت می‌باشد (ریان و همکاران ۲۰۰۰). تنظیم هیجان در روابط بسیار مهم است، در تعارضات زناشویی، انتقام گرفتن و کینه جای خود را به سازگاری داده است، آن‌ها هیجان‌ات منفی خود را تنظیم و پاسخ مثبت می‌دهند. افراد دارای بی‌ثباتی هیجان و تکانش‌گری، همسران نامطلوبی در نظر گرفته می‌شوند، درحالی‌که افرادی که دارای ثبات و هیجان باز و بیانگرند، دارای روابط شادتری هستند (فیتنس، ۲۰۰۱). به‌این ترتیب روشن است که تنظیم هیجان یک اصل مهم در تعیین کیفیت رابطه است. در زندگی اغلب زوج‌ها اختلافاتی پیش می‌آید اما نحوه مدیریت این تکانه‌های هیجانی مهم است. بسیاری از زوجین با مهار بیان هیجان‌ات خود از طریق صورت و تن صدا به‌طوری‌که همسرشان نمی‌داند که در حال تجربه چه هیجانی هستند، به رابطه ادامه می‌دهند. در حقیقت هیجان خود را سرکوب می‌کنند. سرکوب هیجان زوجین منجر به تجربه ذهنی منفی و رفتار منفی و غلط و همچنین منجر به برانگیختگی زیاد و اظهارات منفی می‌شود. بل و کالکینس (۲۰۰۰) اشاره می‌کنند که روابط هم‌ورودی و هم‌خروجی‌هایی برای تنظیم هیجان هستند. روابط به‌عنوان بافت رشدی اولیه برای اکتساب موفق مهارت‌های تنظیم هیجان عمل می‌کنند. بلعکس، مهارت‌های تنظیم هیجان پیش‌نیازی برای درگیری کامل در روابط اجتماعی می‌باشند. افرادی که بدون داشتن این مهارت‌ها وارد بزرگسالی و زندگی زناشویی می‌شوند، دچار مشکل می‌گردند. روابط دوسویه بین تنظیم نامناسب هیجان و پریشانی روابط زوجین اغلب کم‌ارزش تلقی می‌شود. درست همان‌گونه که تنظیم نامناسب هیجان فشار منفی روشنی روی تعاملات زوجین می‌گذارند، اختلاف رابطه‌ای نیز می‌تواند افرادی را که ثبات عاطفی بالایی دارند دچار مشکل کند. تنظیم نامناسب هیجان درون فردی موجب به وجود آمدن تنظیم نامناسب بین فردی و بلعکس می‌شود.

نتایج آزمون بوت استرپ در جدول (۵) نشان داد که اثر غیرمستقیم همدلی عاطفی بر طلاق عاطفی از طریق تنظیم هیجان برابر ۰/۱۴۰- به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد؛ بنابراین تنظیم هیجان در رابطه بین همدلی عاطفی و طلاق عاطفی نقش میانجی‌گری دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با حضور متغیر میانجی تنظیم هیجان در مدل سبب بهبود رابطه بین همدلی عاطفی با طلاق عاطفی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های (مغانلو و حسینی، ۱۳۹۸)، (یلسما و شرلین، ۲۰۰۳) به نقل از (بشارت)، (غلامی، ۱۳۹۱)، (لوپز و همکاران، ۲۰۰۴)، (گراس، ۲۰۰۲) هم‌خوانی دارد. برای مثال مغانلو و

حسینی (۱۳۹۸) پژوهشی را باهدف پیش‌بینی همدلی عاطفی همسران جانبازان بر اساس راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و تاب‌آوری انجام دادند. نمونه دربرگیرنده ۳۰۶ نفر از همسران جانبازان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بنیاد شهید شهرستان رباط‌کریم با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان و تاب‌آوری به‌صورت مثبت می‌توانند همدلی عاطفی در همسران جانبازان را پیش‌بینی نمایند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که همدلی عاطفی یکی از مهم‌ترین نیازهای روابط زوجین است. به‌طور تجربی تأیید شده است که کیفیت روابط بین شخصی زوجین پیوند عمیقی با ابعاد روان‌شناختی، عاطفی، جسمانی و بهزیستی دارد (میراندا و همکارانش، ۲۰۱۸). همدلی عاطفی عنصری ضروری برای زندگی زوجین است، زیرا که همدلی عاطفی پاسخ‌دهی به احساسات را تسهیل می‌کند و فرآیند زیربنایی شادی و نشاط در محیط خانواده است. همدلی عاطفی در محیط خانواده از طریق توانایی سهمیم شدن در حالات هیجانی، دریافت بازخورد منظم از روابط بین شخصی و آگاهی از احساسات همسر مشکلات بین شخصی و تعارضات زوجین را کاهش داده و زمینه بهبود روابط و رضایتمندی زناشویی و خرسندی در محیط خانواده را فراهم می‌سازد (سوسا و مک دونالد، روشب، دیموسکا و جیمز؛ ۲۰۱۱). یکی از عوامل مرتبط باهمدلی عاطفی، راهبردهای تنظیم هیجان است. در پژوهشی مشخص شد که اکثر اختلالات روان‌شناختی به‌واسطه یک آشفتگی هیجانی ظاهر می‌شوند و این آشفتگی‌ها به‌طور زیربنایی با کارکرد معیوب در تنظیم هیجان ارتباط دارند. هراندازه تمایل به بخشش و سختگیری نکردن نسبت به خطاها در ارتباط‌های زوجین بیشتر باشد، احتمال رضایتمندی زناشویی نیز افزایش می‌یابد (کوردوا، جی و وارن؛ ۲۰۰۵). مهار هیجان‌های منفی در ارتباط زوجین با افزایش همدلی عاطفی همراه است. درواقع به بیان بهتر، از بین بردن هیجان‌های منفی در روابط میان زوجین موجب افزایش همدلی عاطفی می‌شود (رجایی، نیری و صداقتی؛ ۱۳۸۶). لوپز و همکاران (۲۰۰۴) طی انجام پژوهشی دریافتند توانایی تنظیم هیجان می‌تواند کیفیت روابط و تعاملات اجتماعی را تعیین کند. افرادی که قادر به تنظیم هیجان‌اتشان هستند، هیجان‌ات خود و دیگران را درک می‌کنند و از هوش هیجانی بیشتری برخوردارند. درنتیجه درک بهتری از افراد در وضعیت‌های گوناگون به دست می‌آوردند و از مهارت‌های بین فردی و درون فردی توسعه‌یافته‌تری برخوردارند؛ بنابراین چنین افرادی نسبت به کسانی که نقص در تنظیم هیجان دارند، روابط بهتری دارند. در بررسی نقش تنظیم هیجان بر عاطفه و خلق، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که راهبردهای تنظیم هیجان منفی پیش‌بینی‌کننده عاطفه منفی، رضایت پایین و عاطفه مثبت پایین و راهبردهای تنظیم هیجان مثبت پیش‌بینی‌کننده عاطفه منفی پایین است (گراس، ۲۰۰۲). افراد باقدرت تنظیم هیجان می‌توانند اتفاقات استرس‌زا و فشارها را در رابطه با تهدیدآمیز بودن یا نبودن ارزیابی کنند و راه‌های برخورد با این استرس‌زاها و فشارها را خلق نمایند و از این طریق در شرایط و موقعیت‌های گوناگون به‌درستی هیجان‌ات خود را تنظیم کرده و با مقاومت در مقابل تجارب استرس‌زا و فشارها، شادی را تجربه کنند و این خود باعث بالا رفتن همدلی عاطفی می‌شود. درزمینه تنظیم هیجانی دلالت‌های بالینی مهمی وجود دارد. روشی که افراد هیجان‌هایشان را مدیریت می‌کنند، عملکرد روان‌شناختی‌شان را متأثر می‌سازد. هم‌چنین تنظیم هیجانی دارای تلویحات رشدی و اجتماعی مهمی مانند رشد همدلی است (مغانلو و حسینی، ۱۳۹۸). یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرح‌واره‌های

ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان با مدل نظری مطابقت دارد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با تنظیم هیجان رابطه منفی و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنی که افزایش تنظیم هیجان باعث کاهش طرح‌واره‌های ناسازگار می‌شود و از طرفی افزایش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه باعث افزایش طلاق عاطفی می‌شود. بین همدلی عاطفی با تنظیم هیجان رابطه مثبت و معنادار و با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد به این معنی که هرچقدر همدلی عاطفی در زوجین بیشتر باشد و تنظیم هیجان بیشتری انجام شود طلاق عاطفی کمتری صورت می‌گیرد و همچنین بین تنظیم هیجان و طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد، به این معنی که با افزایش تنظیم هیجان طلاق عاطفی کاهش می‌یابد. بر اساس مدل یابی معادلات ساختاری فرضیات ما تأیید شد. پیشنهاد کاربردی، از آنجاکه یافته‌های این پژوهش حاکی از روابط قدرتمند و معنادار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی و تنظیم هیجان با طلاق عاطفی است پیشنهاد می‌شود که از طرق مختلف از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، روزانه‌های ساعاتی جهت آموزش و یادگیری مهارت‌های زندگی، سازش‌پذیری و راهبردهای کارآمد و مثبت تنظیم هیجان و نوآوری‌های لازم جهت اصلاح و تغییر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در نظر گرفته شود و روانشناسانی جهت بحث و بررسی در این زمینه به کار گرفته شوند. به‌رغم تلاش جدی در جهت انجام صحیح و اصولی پژوهش حاضر این تحقیق مانند دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مسائل انسانی، با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه بود که تلاش در برطرف کردن آن‌ها در پژوهش‌های آتی می‌تواند مهر تأییدی بر نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش باشد. از محدودیت‌های این پژوهش، این بود که برای جمع‌آوری داده‌ها فقط از ابزار پرسشنامه استفاده شد، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، علاوه بر پرسشنامه از روش‌های دیگری از قبیل مصاحبه نیز استفاده شود. مقطعی بودن از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود، توصیه می‌شود برای بررسی ثبات متغیرهای موردبررسی پژوهش حاضر در طی زمان پژوهش‌های طولی صورت گیرند که بتوان با اطمینان بالاتری از روابط علت و معلولی سخن گفت؛ و در ادامه، با توجه به اینکه پژوهش از نوع همبستگی بود، با حجم نمونه زیاد، ممکن است متغیرهای کنترل نشده‌ای وجود داشته باشد که بر نتایج پژوهش اثر بگذارد، پیشنهاد می‌شود با اجرای پژوهش علی-مقایسه‌ای و بررسی دوره‌های متفاوت از مدت‌زمان زندگی زوجین با کنترل شرایط اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی میزان طلاق عاطفی در زوجین موردتوجه قرار بگیرد.

موازن اخلاقی

شرکت زنان متأهل در این پژوهش به‌صورت داوطلبانه بود و دقت لازم در زمینه محرمانه بودن اطلاعات پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط افراد اعمال شد، به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات پرسشنامه‌ها فقط مورد استفاده تحقیقی قرار خواهد گرفت.

سپاسگزاری

از انجمن حمایت از حقوق کودکان در پژوهش و همچنین همه‌کسانی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول بود که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ به کد رهگیری ۱۶۲۳۷۲۲۴۰ به تصویب رسیده بود، در تدوین این مقاله همه نویسندگان در طراحی، روش‌شناسی، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل داده‌ها، پیش‌نویس و ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- اکبری، ابراهیم، عظیمی، زینب، طالبی، سعیده، و فهیمی، صمد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مؤلفه‌های آن. دوفصلنامه علمی- پژوهشی، ۱ (۳) پیاپی ۲۷: ۷۹-۹۲.
- امانی، احمد، و اسفندیاری، حجت. (۱۳۹۱). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان عوامل پیشگیری بلوغ عاطفی دانشجویان پسر دارای تجربه شکست عشقی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- اندوز، زهرا، و حمیدپور، حمید. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین طرح‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین. خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، (ص ۱۶۵). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بازدار، خالد، و موسوی، سید اصغر. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی منفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی بین زوجین. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۳ (۴۳): ۱۱۶-۹۳.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، و روشنی، شهره. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳): ۲۷-۱۵.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس همدلی عاطفی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- جامعی نژاد، فرحناز. (۱۳۸۹). رابطه بین عشق، شادمانی ذهنی، سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی کارکنان شرکت ملی حفاری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: انتشارات نی.
- حمیدپور، حسن، و اندوز، زهرا. (۱۳۹۸). طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی، تهران: انتشارات ارجمند، (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

- خراسانی زاده، عاطفه، پور شریفی، حمید، رنجبری پور، طاهره، باقری، فریبرز، و پویامنش، جعفر. (۱۳۹۸).
الگوی ساختاری رابطه بین الگوهای ارتباط والد-فرزند و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با میانجیگری
سیک‌های دلبستگی. روانشناسی کاربردی، ۱۱۳ (۴۹): ۷۶-۵۵.
- خزعلیان، شیدا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه جو خانوادگی و همدلی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل. پایان‌نامه
کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.
- دیندار، الهام، مهدوی، محمدصادق، و سید میرزائی، سید محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مهارت‌های زندگی
و طلاق عاطفی. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۹ (۴): ۱۷۶-۱۵۳.
- رجایی، علیرضا، نیری، مهدی، صداقتی، شیرین. (۱۳۸۶). سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی.
روانشناسی تحولی، ۳ (۱۲): ۳۴۷-۳۵۶.
- رستمی، عثمان. (۱۳۹۶). نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود در فرسودگی زناشویی و طلاق
عاطفی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی،
دانشگاه محقق اردبیلی.
- رشیدی، سمانه. (۱۳۹۴). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس ناگویی هیجانی و طرح‌واره‌های شناختی در زنان
متأهل دانشگاه الزهرا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و
روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- رضوانی، حورالعین، و صائمی، حسن. (۱۳۹۸). همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروز گرایی با طلاق عاطفی در
دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۸ (۲): ۳۰-۲۳.
- علاء‌الدینی، زهره، معینی، شهرام، و کجیاف، محمد باقر. (۱۳۹۷). تأثیر القاء همدلی شناختی و عاطفی بر
رفتارهای آشکار تعارض در زوجین و ادراک آن‌ها از نتیجه تعارض. دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ۱۳ (۲):
۱۳۹-۱۳۰.
- غلامی، آرزو. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ناگویی هیجانی و همدلی عاطفی با رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی
ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز.
- فاطمی راد، محمد حسن، و بنی حسن، محمد. (۱۳۹۶). طلاق عاطفی. انتشارات وایا.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر، ریاحی، محمد اسماعیل، و محمدی دوست، منصوره. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه شناختی
طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر. مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۵ (۳): ۵۹-۳۴.
- کازمی، فرزاد. (۱۳۹۶). بررسی مدل رابطه بین ذهن آگاهی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری همدلی زناشویی.
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- لعل زاده، انسیه، اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد، و حصارسرخ، ربابه. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرح‌واره‌های
ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. مجله روانشناسی بالینی، ۷ (۲ پیاپی ۲۶): ۷۲-۵۵.
- مشهدی، علی، قاسم پور، عبدالله، اکبری، ابراهیم، ایل بیگی، رضا، و حسن زاده، شهناز. (۱۳۹۲). نقش
حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجانی در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی دانشجویان. مجله دانش و پژوهش در
روانشناسی کاربردی، ۱۴ (۲ پیاپی ۵۲): ۱۰۰-۹۰.
- مغانلو، مهناز، و حسینی، سیده معصومه. (۱۳۹۸). پیش‌بینی همدلی عاطفی همسران جانبازان بر اساس
راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و تاب‌آوری. مجله علمی- پژوهشی، ۱۱ (۲ پیاپی ۴۳): ۹۹-۹۳.

موسوی علوی. (۱۳۹۲). مدل یابی معادلات ساختاری در پژوهش‌های مرتبط با آموزش علوم سلامت، معرفی روش و کاربرد آن، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۳ (۶): ۵۳۰-۵۱۹.

موسوی، سیده فاطمه، و رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی، فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۶ (۱): ۲۳-۱۱.

نادری نور عینی، سحر. (۱۳۹۷). تدوین مدل ساختاری طلاق عاطفی بر اساس روان رنجوری با میانجی‌گری راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

یانگ، جفری، کلوسکو، ژانت، و ویشار، مارجوری. (۱۳۹۸). طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی، ترجمه: حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران: انتشارات ارجمند، (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

یوسفی، مریم. (۱۳۹۲). اثربخشی مداخله آموزش مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقاء رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

References

- Balakrishnan, V. & Fernandez, T. (2018). Self-esteem, empathy and their impacts on cyberbullying among young adults. *Telematics and Informatics*, 35(7), 2028-2037.
- Bell, K. L. & Calkins, S. D. (2000). Relationships as inputs and outputs of emotion regulation, *Psychological Inquiry*, 11, 160-163.
- Bennik, E. C. Jeronimus, B. F. & aan het Rot, M. (2019). The relation between empathy and depressive symptoms in a Dutch population sample. *Journal of Affective Disorders*, 242, 48-51.
- Blunch, N. (2012). Introduction to structural equation modeling using IBM SPSS statistics and AMOS. *Sage (2th ed. pp. 24-32)*.
- Brinck, I. (2018). Empathy, engagement, entrainment: the interaction dynamics of aesthetic experience. *Cognitive processing*, 19(2): 201-213.
- Cordova, J. V. Gee, C. B. & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of social and Clinical Psychology*, 24(3): 218-235.
- Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of personality and social psychology*, 44(1): 113-126.
- Feshbach, N. D. and Feshbach, S. (2012). Empathy and education. In J. Decety and W. J. Ickes (Eds.), *The social neuroscience of empathy*. (PP. 85-97) Cambridge, MA: MIT press.
- Fitness, J. (2001). Emotional intelligence and intimate relationships. In Ciarrochi, J. Forgas, J. P. & Mayer, J. D. (Eds.), *Emotional intelligence in everyday life* (PP. 98-112). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Garnefski, N. Legerstee, J. Kraaij, V. van den kommer, T. & Teerds, J.A.N. (2002). Cognitive coping strategies and symptoms of depression and anxiety: A comparison between adolescents and adults. *Journal of Adolescence*, (25), 603-611.
- Gottman, J. M. & Levenson, R. W. (1992). Marital Processes Predictive of later dissolution: Behavior, physiology, and health. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63(2): 221-233.

- Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: affective, cognitive, and social consequences. *Psychophysiology*, 39(3): 281-291.
- Gross, J.J. & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2): 348-362.
- Harrington, D. (2009). *Confirmatory factor analysis*, Oxford university press.
- Hansson, K. & Lundbland, A. (2006). *Couples therapy*, 28, 136-152.
- Harris, E, A. & Curtin, L. (2004). Parental perceptions, Early maladaptive schemas and depressive symptoms in Young. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 405-416.
- Hoffman, F. Banzhaf, C. Kanske, P. Gartner, M. Bermpohl, F. & Singer, T. (2016). Empathy in depression: Egocentric and altercentric biases and the role of alexithymia. *Journal of Affective Disorders*, 199, 23-29.
- Johnson, M. & Cohan, C. (2005). Problem solving skills and affective expressions as predictors of change in marital satisfaction. *Journal of consulting and clinical Psychology*, 73, 15-27.
- Kline, R. (2016). Data preparation and psychometrics review. *Principles and practice of structural equation modeling (4th ed. pp. 64-96)*. New York, NY: Guilford.
- Konrath, S. Meier, B. P. Bushman, B. J. (2018). Development and validation of the single Item Trait Empathy Scale (SITES). *Journal of research in personality*, 73, 11-22.
- Levenson, R. W. Haase, C. M. Bloch, L. Holley, S. R. & Seider, B. H. (2014). Emotion regulation in couples. In J. J. Gross (2 Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 267-283). New York: The Guilford press.
- Liu, S. Wang, Z. Lu, Sh. & shi, J (2018). Dyadic analysis of childhood emotional maltreatment and marital satisfaction during the transition to parenthood: The mediating effects of emotion regulation strategies and psychological distress. 1216-1231.
- Lobbestale, J. Peeters, F. Arntz, A. Huibers, M. (2011). Early maladaptive schemas in depressed patients: stability and relation with depressive symptoms over the course of treatment original Research Article. *Journal of Affective Disorders*.
- Lopes PN, Brackett MA, Nezlek J, schultz A, Sellin I, Salovey P. Emotional intelligence and social interaction. *Pers soc psychol Bull*. 2004; 30(8): 1018-34.
- Mazzuca, S. KafetSios, K. Livi, S. presaghi, F (2018). Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion.
- Miranda MIV, Gonzalez JG, Mullor MR, Carreno TP. New Family Models and Their Influence on the Affective Development of Their Children. *Int J Sex Health*. 2018; 30(1): 132-9.
- Pehlivanli, E. İkizer, G (2020). Marriage in Rural or Urban Areas: A Survey of Marital Satisfaction and Initial Disorder Plans. ۲۱(۳۸), 361-395.
- Renner, F. DeRubeis, R. Arntz, A. Peeters, F. Lobbestael, J. and Huibers, M. J. H. (2018). Exploring mechanisms of change in schema therapy for chronic depression. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 58(3): 97-105.
- Riso, P. L. du Toit, L. P. stein, J. D. & Young, E. J. (2007). *Cognitive schemas and Core Beliefs in Psychological Problems: A Practioners guide*. Washington: American Psychological Association.

- Sousa, A. D. McDonald, S. Rushby, J. Li, S. Dimoska, A. & James, C. Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury. The role of affective responsivity. *Cortex*, 2011; 47(5): 526-35.
- Stiles, OE. (2004). Early maladaptive schemas and intimacy in young adults romantic relationship. San Francisco, USA: Alliant International University; P. 42.
- Tully, E. C. Ames, A. M. Garcia, S. E. & Donohue, M. R. (2016). Quadratic Associations between Empathy and Depression as Moderated by Emotion Dysregulation. *The journal of psychology*, 150(1): 15-35.
- Vanlissa, C. J. Hawk, S. T. & Meeus, W. H. J. (2017). The effects of affective and cognitive empathy on adolescents' behavior and outcomes in conflicts with mothers. *Journal of Experimental Child Psychology*, 158, 32-45
- Young, J. E. Gluhoski V. A. (1997). schema-focused Perspective on satisfaction in close relationships. In: Sternberg RJ, Hojjat M. (editors). *Satisfaction in close relationships*. New York: Guilford; 356-81.
- Young, J.E. Klosko, J. S. Weishaar, M.E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford publication.

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن

ردیف	سؤالات	بله	خیر
۱.	در این ازدواج بسیار بیشتر از آنچه پیش‌بینی می‌کردم احساس تنهایی می‌کنم	۱	۰
۲.	ما آن قدرها که آرزو داشتیم به هم نزدیک نیستیم	۱	۰
۳.	در این ازدواج احساس بی‌په‌ودگی می‌کنم	۱	۰
۴.	انجام کارهای مشترک برایم خسته‌کننده است	۱	۰
۵.	حتی وقتی باهم هستیم احساس بی‌قراری و اندوه می‌کنم	۱	۰
۶.	بیشتر وقت‌ها نمی‌دانم خود را چگونه سرگرم کنم	۱	۰
۷.	گاهی در این ازدواج احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری می‌کنم	۱	۰
۸.	در حسرت کسی هستم که در کنار او احساس نزدیکی کنم	۱	۰
۹.	حس تنهایی بسیار آزارم می‌دهد	۱	۰
۱۰.	انگار ازدواجم چیزی کم دارد	۱	۰
۱۱.	کاش اطرافیانم بیشتر به من زنگ می‌زدند	۱	۰
۱۲.	اغلب دلم می‌خواهد کسی را داشته‌ام که در کنارم باشم	۱	۰
۱۳.	احساس نمی‌کنم بخشی از زندگی کسی هستم	۱	۰
۱۴.	احساس نمی‌کنم به کسی تعلق دارم	۱	۰
۱۵.	اغلب به لحاظ عاطفی احساس انزوا می‌کنم	۱	۰
۱۶.	در این ازدواج احساس طردشدگی می‌کنم	۱	۰
۱۷.	کسی را ندارم که به او پناه ببرم	۱	۰
۱۸.	اغلب در رابطه با همسر احساس می‌کنم فراموش شده‌ام	۱	۰
۱۹.	هیچ‌کس من را نمی‌شناسد	۱	۰
۲۰.	هیچ‌کس من را درک نمی‌کند	۱	۰
۲۱.	اغلب هیچ‌کس را ندارم که با او حرف بزنم	۱	۰

۰	۱	۲۲. اغلب نیاز شدیدی به داشتن یک هم‌صحبت احساس می‌کنم
۰	۱	۲۳. احساس می‌کنم که در این ازدواج کاملاً « کنار گذاشته شده‌ام
۰	۱	۲۴. احساس جدا بودن می‌کنم (با همسر)

پرسشنامه طرح‌واره یانگ (فرم کوتاه - ۷۵ آیتمی)

ردیف	سؤالات	کاملاً « غلط »	تقریباً « غلط »	اندکی غلط	اندکی درست	تقریباً « درست »	کاملاً « درست »
۱.	اغلب کسی را نداشته‌ام که از من حمایت کند حرف‌هایش را با من بزند و عمیقاً « نگران اتفاقاتی باشد که برآیم می‌افتد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲.	به‌طور کلی، کسی نبوده که به من عاطفه، محبت و صداقت نشان دهد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳.	در بیشتر اوقات زندگی، این احساس به من دست نداد که برای فرد دیگری، فرد مهمی به شمار روم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۴.	در اغلب اوقات کسی را نداشته‌ام که واقعاً « به درد دل من گوش دهد، مرا بفهمد یا اینکه احساس‌ها و نیازهای واقعی مرا درک کند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵.	وقتی که نمی‌دانستم کاری را چگونه انجام دهم، به‌ندرت شخصی پیدا می‌شد که راهنماییم کند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۶.	من به افراد نزدیک خودم خیلی وابسته‌ام چون می‌ترسم مرا ترک کنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷.	آنقدر به دیگران نیازمندم که نگران از دست دادن آن‌ها هستم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸.	نگرانم از اینکه افرادی که به من نزدیک‌اند مرا ترک و رها بکنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹.	وقتی احساس می‌کنم کسی که برایم مهم است از من دوری می‌کند مأیوس می‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۰.	برخی اوقات آنقدر نگران آن هستم که مردم مرا ترک کنند که آن‌ها را از خودم می‌رانم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۱.	احساس می‌کنم مردم از من سودجویی می‌کنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۲.	احساس می‌کنم باید در حضور دیگران از خودم محافظت کنم، چون فکر می‌کنم در غیر این صورت به من آسیب می‌زنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳.	دیگران دیر یا زود به من خیانت می‌کنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۴.	نسبت به انگیزه‌های دیگران سوءظن شدید دارم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۵.	معمولاً « به‌طور جدی به انگیزه‌های نهانی مردم فکر می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۶.	فکر می‌کنم وصله ناجور اجتماع هستم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۷.	اساساً « با بقیه خیلی فرق دارم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۸.	نمی‌توانم به کسی تعلق خاطر داشته باشم، انسان گوشه‌گیری هستم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۹.	احساس می‌کنم از مردم بیگانه شده‌ام	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۰.	همیشه احساس می‌کنم بین افراد گروه جایی ندارم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۱.	مردان یا زنانی که دوستشان دارم، وقتی نقاط ضعف مرا ببینند دیگر دوستم ندارند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۲.	اگر کسی واقعاً « مرا بشناسد دوست ندارد با من رابطه نزدیک برقرار کند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۳.	لیاقت عشق، توجه و احترام دیگران را ندارم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۴.	احساس می‌کنم هیچ‌کس مرا دوست ندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۵.	در بسیاری از جنبه‌ها، بیش از آن‌ها پذیرفتنی هستم که بتوانم خودم را به دیگران نشان دهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۶.	تقریباً « هیچ کاری را به‌خوبی دیگران نمی‌توانم انجام دهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۷.	وقتی به موفقیت نزدیک می‌شوم از درون احساس بی‌کفایتی می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۸.	بیشتر مردم در حوزه‌های شغلی و کاری از من تواناترند	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۹.	نمی‌توانم مانند اغلب مردم در کل‌هایم با استعداد باشم	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳۰.	در کار یا تحصیل، مثل بقیه باهوش نیستم	۱	۲	۳	۴	۵	۶

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۱	احساس می‌کنم نمی‌توانم به‌تنهایی از پس کارهای زندگی روزمره‌ام برآیم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۲	فکر می‌کنم در انجام کارهای روزمره، آدم وابسته‌ای هستم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۳	فاقد عقل سلیم هستم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۴	اصلاً « به قضاوت‌های خودم در موقعیت‌های روزمره، اعتماد ندارم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۵	احساس می‌کنم نمی‌توانم به‌تنهایی گلیم خودم را از آب بیرون بکشم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۶	نمی‌توانم از شر این احساس رها شوم که اتفاق بدی می‌خواهد بیفتد
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۷	احساس می‌کنم هر لحظه ممکن است یک فاجعه طبیعی، جنایی، حقوقی یا پزشکی برایم اتفاق بیفتد
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۸	می‌ترسم مورد حمله قرار بگیرم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۹	می‌ترسم تمام سرمایه خود را از دست بدهم و بیچاره شوم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۰	اغلب نگرانم دچار سگته قلبی بشوم، حتی وقتی دلایل پزشکی کمی برای این احتمال وجود دارد
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۱	قادر نیستم از والدینم جدا شوم، کاری که هم‌سن‌وسال‌هایم انجام می‌دهند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۲	من و والدینم تمایل داریم خود را پیش از حد در مشکلات زندگی یکدیگر درگیر کنیم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۳	برای من و والدینم بسیار سخت است که بدون داشتن احساس گناه یا خیانت، مسائل جزئی خصوصی خود را از یکدیگر پنهان داریم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۴	اغلب احساس می‌کنم که انگار والدینم در من زندگی می‌کنند، من نمی‌توانم یک زندگی جداگانه برای خودم داشته باشم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۵	اغلب احساس می‌کنم که هویت جداگانه‌ای از والدین و همسرم ندارم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۶	فکر می‌کنم اگر کاری را بکنم که دلم می‌خواهد، برای خودم دردسر درست می‌کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۷	احساس می‌کنم چاره‌ای ندارم جز اینکه به خواسته‌های دیگران تن بدهم، چون در غیر این صورت مرا ترک می‌کنند یا درصدد تلافی برمی‌آیند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۸	در روابطم، به دیگران اجازه می‌دهم که بر من مسلط شوند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۹	همیشه به دیگران اجازه داده‌ام به‌جایم تصمیم بگیرند در نتیجه من واقعاً « نمی‌دانم چه می‌خواهم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۰	خیلی برایم مشکل است از دیگران تقاضا کنم حقوقم را رعایت کنند و احساساتم را درک کنند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۱	کارهای مراقبت از نزدیکانم بر روی دوش من است
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۲	آدم خوبی هستم، چون بیش از آنچه به فکر خودم باشم، به فکر دیگرانم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۳	مهم نیست که چقدر سرم شلوغ است، من همیشه می‌توانم وقتی را برای دیگران کنار بگذارم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۴	همیشه سنگ صبور مشکلات دیگران بوده‌ام
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۵	دیگران نظرشان این است که من برای دیگران خیلی کار می‌کنم و برای خودم کاری انجام نمی‌دهم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۶	از اینکه احساسات مثبتم (مثل محبت و توجه) را به دیگران نشان بدهم، خیلی خجالت می‌کشم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۷	برای من خیلی سخت است که احساساتم را نزد دیگران بروز دهم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۸	برای من خیلی سخت است که راحت و خودانگیخته رفتار کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵۹	آنقدر خودم را کنترل می‌کنم که مردم فکر می‌کنند، آدمی بی‌احساس هستم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۰	مردم نظرشان این است که من عصبی و ناراحت‌م
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۱	باید در هر کاری که انجام می‌دهم بهترین باشم، نمی‌توانم توقعم را کم کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۲	سعی می‌کنم نهایت تلاشم را بکنم، اینکه کار « تا حدودی خوب باشد » هیچ‌گاه راضی‌ام نمی‌کند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۳	باید به تمام مسئولیت‌هایم عمل کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۴	احساس می‌کنم برای پیشرفت و دستیابی به خواسته‌های خود همواره تحت فشار هستم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۵	وقتی که کاری را اشتباه انجام می‌دهم، نمی‌توانم خودم را ببخشم یا برای اشتباهم بهانه‌تراشی کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۶	وقتی که از کسی چیزی می‌خواهم برایم سخت است « نه » بشنوم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۷	آدم خاصی هستم و نمی‌توانم محدودیت‌هایی را که بر سر راه مردم وجود دارد بپذیرم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۸	از اینکه مرا محدود کنند یا نگذارند کاری را که می‌خواهم بکنم متنفرم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶۹	احساس می‌کنم که نباید از قانون‌ها و قراردادهایی بهنجاری که مردم تابع آن هستند، اطاعت کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۰	احساس می‌کنم کاری که من باید بکنم ارزشمندتر از کارهای دیگران است
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۱	نمی‌توانم برای انجام تمام و کمال وظایف معمول یا خسته‌کننده، نظم و انضباط خاصی داشته باشم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۲	اگر به یکی از اهدافم نرسم زود مأیوس می‌شوم و دست از کار می‌کشم

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۳	برای من خیلی سخت است که رضایت آتی را فدای خوشحالی آنی کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۴	نمی‌توانم به خودم فشار بیاورم که کارهایی که برایم خوشایند نیستند انجام دهم، حتی وقتی که می‌دانم نتایج خوبی برایم دارند
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷۵	به‌ندرت توانسته‌ام به تصمیم خود پایبند باشم

پرسشنامه همدلی عاطفی

ردیف	سؤالات	کاملاً « موافق»	موافق	تقریباً « موافق»	اندکی موافق	نه موافق نه مخالف	اندکی مخالف	تقریباً « مخالف»	مخالف	کاملاً « مخالف»
۱	وقتی در یک جمع، غریبه‌ای را تنها می‌بینم، غمگین می‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	مردم، زیادی نسبت به حیوانات دلسوزی و ترحم می‌کنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳	ابراز علاقه در ملاعام اغلب مرا ناراحت می‌کند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۴	وقتی افراد غصه‌دار را باحالت اندوهگین می‌بینم ناراحت می‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۵	وقتی اطرافیانم نگران باشند، من هم نگران می‌شوم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۶	کار کسانی که شدیداً « به دنبال خوشبختی هستند، به نظرم احمقانه می‌رسد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۷	نسبت به مشکلات دوستانم همدردی می‌کنم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۸	گاهی اوقات واژه‌های یک شعر عاشقانه می‌تواند احساسات مرا عمیقاً « تحت تأثیر قرار دهد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹	وقتی قرار است خبر بدی به کسی برسانم، کنترل خودم را از دست می‌دهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	افرادی که پیرامون من هستند، تأثیر زیادی بر روحیه‌ام دارند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	اکثر افراد غریبه‌ای که دیده‌ام، سرد و بی‌احساس بوده‌اند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	بیشتر دوست داشتم مددکار اجتماعی باشم تا اینکه در یک مرکز آموزشی کارکنم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۳	اگر یکی از دوستانم ناراحت به نظر برسد، این امر باعث نگرانی من نمی‌شود	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۴	دوست دارم ببینم افراد موقع باز کردن هدیه چه احساسی دارند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۵	افراد تنها و بی‌کس احتمالاً « سرد و دیرجوش هستند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۶	دیدن گریه دیگران، من را ناراحت می‌کند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۷	برخی ترانه‌ها مرا شاد می‌کنند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۸	هنگام خواندن داستان با احساسات شخصیت‌های آن واقعاً « درمی‌آمیزم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۹. وقتی می‌بینم که با کسی بدرفتاری می‌شود، بسیار عصبانی می‌شوم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۰. حتی اگر افراد پیرامون من نگران باشند، می‌توانم خونسردی خودم را حفظ کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۱. وقتی یکی از دوستان شروع به صحبت درباره مشکلاتش می‌کند، سعی می‌کنم موضوع بحث را عوض کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۲. خنده دیگران برای من جذاب نیست
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۳. گاهی اوقات گریه افراد ضمن تماشای فیلم به نظرم مضحک می‌رسد
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۴. می‌توانم بدون اینکه تحت تأثیر احساسات دیگران قرار گیرم تصمیم‌گیری کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۵. اگر افراد پیرامون من افسرده باشند نمی‌توانم احساس خوبی داشته باشم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۶. دیدن اینکه برخی چیزها افراد را بسیار ناراحت می‌کند، برای من دشوار است
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۷. وقتی می‌بینم حیوانی در حال درد کشیدن است، بسیار ناراحت می‌شوم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۸. با کتاب یا فیلم همدرد و هم احساس شدن را تا حدودی احمقانه می‌دانم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۲۹. دیدن افراد سالخورده و درمانده مرا ناراحت می‌کند
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۳۰. وقتی کسی را در حال گریه کردن می‌بینم، بیشتر عصبانی می‌شوم تا اینکه دلسوزی کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۳۱. وقتی فیلمی را تماشا می‌کنم خیلی در آن غرق می‌شوم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۳۲. اغلب احساس می‌کنم می‌توانم علی‌رغم هیجان موجود در پیرامون خود، خونسرد بمانم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۳۳. کودکان گاهی اوقات بدون هیچ دلیل مشخصی گریه می‌کنند

مقیاس تنظیم هیجان

ردیف	عبارات	کاملاً « مخالف »	مخالف	کمی مخالف	خنثی	کمی موافق	موافق	کاملاً « موافق »
۱.	وقتی می‌خواهم هیجان مثبت بیشتری (مانند لذت یا سرگرمی) را احساس کنم فکرم را تغییر می‌دهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۲.	هیجان‌های خود را پنهان می‌کنم (بروز نمی‌دهم)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۳.	وقتی می‌خواهم هیجان منفی کمتری (مانند غمگینی یا خشم) را احساس کنم فکرم را تغییر می‌دهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۴.	وقتی هیجان‌های مثبت احساس می‌کنم سعی می‌کنم آن‌ها را بروز ندهم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵. وقتی با یک موقعیت استرس‌زا مواجه می‌شوم فکرم را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهم که منجر به آرام شدنم گردد
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۶. من هیجان‌های خود را با ابراز نکردن آن‌ها کنترل می‌کنم
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷. وقتی می‌خواهم هیجان مثبت بیشتری را احساس کنم فکرم را درباره آن موقعیت تغییر می‌دهم
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸. من هیجان‌های خود را با تغییر دادن فکرم درباره موقعیتی که در آن هستم کنترل می‌کنم
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۹. وقتی هیجان‌های منفی احساس می‌کنم سعی می‌کنم آن‌ها را بروز ندهم
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰. وقتی می‌خواهم هیجان منفی بیشتری را احساس کنم فکرم درباره آن موقعیت را تغییر می‌دهم



Modeling the structural equations of emotional divorce based on early maladaptive schemas, emotional empathy mediated by emotion regulation in married

*Mousgan. Jalalvand*¹, *Shokoh. Navabinejad*^{*2}, *Hamidreza Rezazadeh. Bahadoran*³ & *AliAkbar. Khosravi babadi*⁴

Abstract

Aim: The aim of this study was to model the structural equations of emotional divorce based on early maladaptive schemas, emotional empathy mediated by emotion regulation in married women in Tehran. **Methods:** The study was a descriptive, correlational and statistical study of married women in Tehran. Using available sampling method, 200 married women living in Tehran were selected as a sample of friends and counselors of the Association for the Protection of Children's Rights online due to coronavirus. The research instruments were Guttman (1999) Emotional Divorce Questionnaire, Young's maladaptive schemas (1998), Epstein and Mehrabian (1972) emotional empathy, and Gross and John (2003) emotion regulation. All analyzes were performed using SPSS26 and AMOS24 software. Bootstrap method was also used to analyze the intermediate relationships in MACRO Precruheiz (2008). **Results:** The results of the direct effect showed that the schema of disconnection and rejection ($\beta=0.343$), Overvigilance and inhibition ($\beta=0.294$), has a positive and significant effect on emotional divorce, and emotional empathy ($\beta=-0.345$), has a negative and significant effect on emotional divorce. Also, the indirect effects of disconnection and rejection schemas ($\beta=0.0320$), Impaired Autonomy and performance ($\beta=0.0447$), Directedness ($\beta=0.0509$), Overvigilance and inhibition ($\beta=0.0628$), impaired limits ($\beta=0.1252$), and emotional empathy ($\beta=-0.0140$), on emotional divorce through emotion regulation were significant. The results showed that emotion regulation as a mediating variable could explain the relationship between maladaptive schema and emotional empathy. **Conclusion:** Since the findings of this study indicate strong and significant relationships between research variables and emotional divorce, it is suggested that through various means including mass media, daily hours to teach life skills, effective and positive strategies for emotion regulation and innovations to modify the schema. Initial incompatibilities should be considered and psychologists should be employed to discuss this issue.

Keywords: *Emotion regulation, primary maladaptive schemas, emotional divorce, emotional empathy*

1. PhD Student, Department of Counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. ***Corresponding Author:** Professor of Counseling Department, Kharazmi University, Tehran, Iran

Email: sh.navabinejad@khu.ac.ir

3. Assistant Professor, Counseling Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Department of Counseling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran